

تسبیب در قوانین کیفری

دکتر جلال الدین قیاسی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه قم

چاپ دوم با تجدیدنظر و اضافات

انتشارات جنگل

سرشناسه	: قیاسی، جلال الدین
عنوان قراردادی	: ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: تسبیب در قوانین کیفری / جلال الدین قیاسی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲.
مشخصات نشر	: تهران: جنگل، جاودانه ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۱۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: چاپ قبلی: مدین، ۱۳۷۵.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: تسبیب (قانون کیفری) - ایران
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ق ۳۸۵/۱ KMH
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۴۴۳۵۱

www.ketab.ir

عنوان کتاب: تسبیب در قوانین کیفری

مؤلف: دکتر جلال الدین قیاسی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: دوم (اول از ناشر)، ۱۳۹۰

قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۱۳-۹

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۶۶۴۸۲۸۳۰ email://Info@junglepup.org

http:// www.junglepup.org ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

بسمه تعالی

پیش‌گفتار چاپ دوم

قواعد باب تسبیب حاکم بر دعاوی مختلفی است که از حیث تعداد، حجم انبوهی از پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد. اهمیت موضوع این پرونده‌ها نیز قابل توجه است زیرا ناظر به ضرب، جرح، مرگ و نقص عضو ناشی از حوادث کار، حوادث رانندگی، و نزاع‌های فردی و جمعی است که موارد عمدی آنها در زمره سنگین‌ترین جرائم و موارد غیر عمدی آنها از شایع‌ترین پرونده‌ها می‌باشد. این همه، اهمیت بحث تسبیب را دو چندان ساخته و بذل توجه بدان را ضروری می‌سازد. هنوز نکات قابل بحث فراوانی وجود دارد که باید به شکل گسترده‌تر و عمیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد. نکات مغفولی هست که تنها با بروز در یک پرونده قضائی ممکن است خود را نشان دهد و باب مباحثات جدیدی را به روی ما بگشاید. مطالب فروانی هست که اگر چه خود مستقیماً از موضوعات تسبیب شمرده نمی‌شود اما هر یک به گونه‌ای با بحث تسبیب مرتبط است و تصمیم‌گیری در مورد آنها سرنوشت بحث را در باب تسبیب عوض می‌کند. در طول سال‌های گذشته کتب متعددی از سوی ازبایب فضل، عمدتاً به شکل ترجمه راهی بازار کتاب شده که به غنای این مباحث افزوده است و امید است که در سال‌های آینده شاهد تألیفات و ترجمه‌های بیشتری در خصوص این موضوع باشیم.

اما در خصوص این کتاب، با آنکه پانزده سال از چاپ نخستین آن می‌گذرد در تجدید چاپ آن کوتاهی می‌کردم زیرا همواره باب بحث

جدیدی در ذهن من گشوده می‌شد که علاقمند بودم مطالعات بیشتر آنرا به نقطه‌ای مطلوب برساند. البته اگرچه پرونده موضوعات علمی همواره مفتوح است و هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود به پایان راه رسیده است اما حداقل اطمینان خاطری لازم است که انسان را به آستانه اقلی نسبی برساند و من همواره مترصد تکمیل مطالب و یافتن انسجامی مطلوب در خصوص موضوعات مختلف این کتاب در ذهن خود بودم. در طول سال‌های گذشته بارها مطالب کتاب را در مقاطع مختلف کارشناسی ارشد و دکترای تدریس کرده‌ام. مباحثات مختلف با قضات، کارشناسان دادگستری و راهنمایی و رانندگی، وکلا، اساتید و دانشجویان و مطالعه منابع جدید اعم از کتب و مقالات یا پرونده‌های قضائی موجب تجدید نظر در بسیاری از مطالب چاپ نخست گردید. طرح بخشی از مطالب کتاب به عنوان موضوع کرسی نظریه پردازی نقطه امیدی بود که با استفاده از نقد و نظر اندیشمندان مطالب کتاب اقبال بیشتری بیابد. به همین جهت و در انتظار این جلسات علمی، مدت‌ها از تجدید چاپ کتاب خودداری می‌کردم. اما متأسفانه با گذشت بیش از یک سال و اندی هنوز مشکلات اداری مانع از برگزاری این جلسات گردیده و اینجانب تاخیر را بیش از این جایز ندانسته و امیدوارم در صورت تحقق آن جلسات علمی، نتایج آنرا در چاپ‌های بعدی منعکس نمایم. در پایان امیدوارم ارباب فضل و دانش با تذکرات علمی خویش کاستی‌های این مباحث را جبران و بنده را از نظریات خویش بهره‌مند سازند.

فهرست مطالب

پیش گفتار چاپ دوم

مقدمه

فصل اول: کلیات	۱
مبحث اول- جایگاه بحث در کتب فقهی و حقوقی	۳
مبحث دوم- تعریف اصطلاحات سبب و شرط در فقه	۵
گفتار اول- زمینه تاریخی بحث	۵
گفتار دوم- تعریف سبب	۸
گفتار سوم- تعریف شرط	۱۲
گفتار چهارم- تئوری‌های تمایز بین شرط و سبب	۱۷
گفتار پنجم- انتقاد صاحب جواهر از تقسیم‌بندی قتل عمد به مباشرت و تسبیب	۲۰
مبحث سوم- آیا بحث علیت منحصر به جرائم خاصی است؟	۲۴
مبحث چهارم- ارتباط بحث تسبیب با موجبات ضمان	۲۹
مبحث پنجم- تفاوت سه حالت تسبیب محض، اجتماع اسباب، اجتماع سبب و مباشر	۳۱
فصل دوم: حکم تسبیب در دیدگاه‌های مختلف	۳۷
مبحث اول- صور مختلف تسبیب در کتب فقهی	۳۹
مرتبه اول- جانی به تنهایی سبب اتلاف می‌شود	۴۰
مرتبه دوم- عمل مجنی‌علیه نیز به عمل جانی منضم شود	۴۰
مرتبه سوم- عمل حیوانی به عمل جانی ضمیمه شود	۴۱
مرتبه چهارم- عمل انسان دیگری نیز منضم شود	۴۱
مبحث دوم- تسبیب محض	۴۳
مبحث سوم- اجتماع اسباب در فقه	۴۴

- گفتار اول - ضمان سبب مقدم در تأثیر ۴۶
- گفتار دوم - ضمان هر دو سبب ۵۱
- گفتار سوم - ضمان سبب مؤخر در وجود ۵۷
- گفتار چهارم - ضمان سبب اقوی ۵۹
- گفتار پنجم - بحثی کلی در مورد مسأله اجتماع اسباب ۶۱
- مبحث چهارم - نظریات مربوط به اجتماع اسباب در حقوق عرفی ۶۳
- گفتار اول - نظریه شرط ضروری (شرط لازم) ۶۵
- ارتباط این نظریه با نظریات فقهی ۷۶
- گفتار دوم - نظریه شرط متصل به نتیجه ۷۷
- ارتباط این نظریه با نظریات فقهی ۸۲
- گفتار سوم - نظریه خطای جزائی به عنوان شرط متحرک یا پویای نتیجه ... ۸۳
- ارتباط این نظریه با نظریات فقهی ۸۵
- گفتار چهارم - نظریه شرط مناسب یا کافی نتیجه ۸۶
- ارتباط این نظریه با نظریات فقهی ۹۲
- گفتار پنجم - بحثی کلی در مورد نظریات علیت در حقوق ۹۲
- مبحث پنجم - تفکیک صور مختلف اجتماع اسباب و تحلیل آنها ۹۵
- نقش خطا در رکن روانی تسبیب ۱۰۵
- مبحث ششم - اجتماع سبب و مباشر ۱۱۳
- گفتار اول - ضامن در اجتماع سبب و مباشر ۱۱۳
- الف - ضمان مباشر ۱۱۳
- ب - ضمان سبب و مباشر به نحو علی البدل (تضامنی) ۱۱۴
- ج - تفکیک بین حالات مختلف از حیث رکن روانی ۱۱۵
- گفتار دوم - تفکیک حالات مختلف اجتماع اسباب در کتب فقهی ۱۱۷
- الف - مباشر اقوی از سبب باشد ۱۱۸
- ب - سبب اقوی از مباشر است ۱۱۹
- یک - غرور (فریب) ۱۲۰

۱۲۳.....	دو- اکراه
۱۲۴.....	سه- جهل
۱۲۴.....	چهار- اضطرار
۱۳۵.....	پنج- اگر مباشر حیوان یا عوامل طبیعی باشد
۱۳۶.....	شش- مباشر کودک یا مجنون باشد
۱۳۹.....	ج- سبب و مباشر یکسان هستند
۱۵۶.....	مبحث هفتم- تفکیک صور مختلف اجتماع سبب و مباشر و تحلیل آنها
۱۶۵.....	مبحث هشتم- اجتماع مباشر و سبب (حالت تقدم مباشر)
۱۷۸.....	مبحث نهم- جمع بندی کلی تمام صور
۱۸۱.....	فصل سوم: مباحث مسؤولیت (ضمان) در تسبیب
۱۸۳.....	مبحث اول- تسبیب در امور جزائی و مدنی
۱۸۶.....	مبحث دوم- رابطه دو اصطلاح عدوان و تفریط با تقصیر
۱۸۹.....	مبحث سوم- آیا تقصیر (تفریط) در تسبیب شرط است
۱۸۹.....	گفتار اول- شرطیت تقصیر برای ضمان، در فقه
۱۹۵.....	گفتار دوم- شرطیت تقصیر برای ضمان در قوانین موضوعه
۱۹۹.....	مبحث چهارم- عدوان
۲۰۰.....	گفتار اول- آیا عدوان مطلقاً ضمان آور است؟
۲۱۳.....	مبحث پنجم- ضمان نسبی در تسبیب
۲۱۵.....	گفتار اول- ضمان نسبی از لحاظ قانونی
۲۱۷.....	گفتار دوم- ضمان نسبی از دیدگاه نظری
۲۲۵.....	مبحث ششم- عدم رعایت مقررات حفاظتی، بهداشتی، ایمنی
۲۳۲.....	گفتار اول- بررسی ماده ۹۵ قانون کار
۲۳۶.....	گفتار دوم- تقصیر کارفرما و کارگر و رابطه آن با مسؤولیت کیفری
۲۴۳.....	منابع و مأخذ

مقدمه

هیچکس را نمی‌توان مجرم قلمداد نمود مگر زمانی که ثابت شود فعل مجرمانه و زیان حاصله از آن متناسب به وی است. اما احراز این انتساب در مقام عمل با دشواری‌های فراوان روبروست زیرا صدور افعال از اشخاص، اشکال فوق‌العاده متنوع و پیچیده‌ای بخود می‌گیرد، گاه عمل اختیاری، گاه اجباری و اکراهی و یا اضطراری است. گاه با علم به حکم و موضوع است و گاه با جهل بدان‌ها، گاه عمل بصورت انفرادی است و گاه همراه با تشویک مساعی دیگران و در حالت اخیر گاه همه و گاه تنها برخی در صحنه جرم حضور دارند. گاه حادثه عمدی و گاه ناشی از تقصیر یا خطاست، گاه عمل به شکل ترک فعل و گاه به شک فعل مثبت است، گاه عوامل خارجی اعم از انسان و حیوان و نیروهای طبیعی نیز در حادثه دخالت دارند و گاه چنین نیست و... مسلماً با چنین اشکال پیچیده و متنوعی که عمل انسانی بخود می‌گیرد، انتساب و عدم انتساب زیان به شخص یا اشخاص معینی با دشواری روبروست و در صورت اثبات این انتساب، کمیت آن نیز مهم است. چنانکه در حالت اجتماع اسباب باید روشن گردد سهم هر یک از افراد در میزان خسارت وارده چقدر است.

بعلاوه گذار از کربوه‌های پر پیچ‌وخم این بحث‌های نظری کافی نبوده و با فرض پذیرش آنکه در حالت اجتماع سبب و مباشر، سبب

اقوی از مباشر ضامن است باز در مقام عمل دادرس باید تعیین کند که در فلان دعوای خاص آیا متهم مصداق سبب اقوی از مباشر هست یا نه، و تعیین مصادیق مفاهیم مزبور خود نیمی از کار طاقت‌فرسای اجرای عدالت است. چه بسا در مواردی قاضی بر حسب فهم عرفی خود بتواند میان فعل متهم و زیان‌های وارده رابطه سببیت برقرار کند و نهایتاً از میان عوامل متعدد، شخص یا اشخاص بخصوصی را مسؤول حادثه بشمارد. ولی از بیان فنی این رابطه عاجز باشد. یکی از حقوقدانان لبنانی در مورد دشواری اثبات رابطه سببیت می‌نویسد: «کار قضائی، دشواری برقراری چنین رابطه‌ای را روشن می‌سازد و همین امر موجب شده است که محاکم قضائی به کرات در حکم خود فقط اکتفا به این کنند که فلان فعل، سبب نتیجه حاصله بوده است بدون اینکه دقیقاً کیفیت این رابطه را که محتاج به دقت فراوان است روشن سازند. چنین نقصی در احکام دادگاه‌های استیناف فرانسه که بدون تعلیل مناسب صادر شده‌اند محاکم تمیز در فرانسه را وادار نموده که آنها را نقض نمایند زیرا بصورت واضحی رابطه سببیت بین فعل اصلی یا خطای جزائی با نتیجه حاصله را روشن نکرده‌اند. دادگاه تمیز بر این مسأله تاکید می‌ورزد که وظیفه محاکم فقط این نیست که به ذکر رابطه سببیت اکتفا کنند بلکه لازم است توجیه کافی برای اثبات برقراری چنین رابطه‌ای داشته باشند»^۱

مؤلف مذکور وجود چنین مشکلی را در ادامه سخنان خود در مورد کشور لبنان نیز خاطرنشان می‌سازد.^۱

چنین مشکلاتی ناشی از پیچیدگی این مسأله است، یعنی بحث علیت یا سببیت از یکسو در مقام قانونگذاری دارای مشکلات فراوان است و برآ مقنن باید مسائل نظری فراوانی را حل کند تا قانونی را در این مورد به تصویب برساند و تازه پس از تصویب، اجرا نمودن این قانون و تطبیق آن بر مواد مطروحه در دعاوی و شکایات امری است مشکل. بدین جهت برخی اصولاً معتقدند قانونگذار نباید در مورد تسبیب قانون بنویسد و باید آن را به عرف و رویه قضائی واگذار نماید.^۲

در پاره‌ای از موارد دشواری مباحث حقوقی ناشی از آن است که قانونگذاران در مقام انشاء یا تفسیر قانون، مقاصد خویش را با استعانت از اصطلاحات عرفی بیان می‌کنند زیرا ماهیت علم حقوق چنین اقتضائی را دارد. حقوق مدنی ناظر بر روابط اقتصادی و اجتماعی اشخاص بوده و مردم در تنظیم روابط خود از هر کلمه، معانی عرفی آنرا اراده می‌کنند. در حقوق جزای عرفی نیز جرم عملی است ناهنجار و بر ضد ارزشهای قابل قبول جامعه، و مقنن با جرم انگاشتن عملی در واقع خواست و

۱- همان.

۲- حسنی محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم سیدعباس نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶.

داوری عمومی درباره آن عمل را منعکس می‌کند و عرف نیز در داورى خویش تابع همین معانی عرفی است یعنی اگر دزدی را بد می‌داند حتماً تعریفی از دزدی نیز در ذهن دارد اگر رسانه‌های گروهی و جرائد پس از وقوع حادثه‌ای خواستار مجازات عاملین و مسببین حادثه هستند حتماً تعریفی از مسبب حادثه در ذهن خویش دارند و بدین گونه است که با توجه به داورى‌های عرف در مورد علت، بحث علیت نیز تابع زبان عرف می‌شود.

ولی از سوی دیگر تضادهاى عرف مبتنی بر معانی دقیق نمی‌باشد. عرف برای هر آنچه بر زبان می‌آورد و یا در ذهن می‌پرورد تعریفی مشخص و قابل ارائه ندارد و از اینجاست که حقوقدانان برای خروج از تنگنای فهم عرفی به زبان فنی و اصطلاحات خاص خود پناه می‌برند و تعاریف و تفاسیر و نوشته‌ها و به‌طور کلی زبان آنان از عرف فاصله می‌گیرد و خود به جعل اصطلاح در راستای تبیین دقیق مطالب دست می‌زنند. انبوه مفاهیم دقیق حقوقی که گاه عرف حتی معنای آن را نیز نمی‌داند زائیده همین نیاز است.

از سوی دیگر عالمان هر علم در کنار خلق مفاهیم و اصطلاحات ویژه، گاه از مفاهیم علوم دیگر نیز سود جست‌ه‌اند. تاریخ علم شاهد وام‌گیری بی‌حد و حصر علوم از یکدیگر بوده است. فیزیک و مکانیک از ریاضی، فلسفه از منطق، اصول از فلسفه و منطق، و فقه از اصول، و

حقوق از فقه و ... اخذ اصطلاح کرده‌اند و به مدد اصطلاحات آن علوم به حل مسائل خویش پرداخته‌اند. برآشنایان با علوم مختلف پوشیده نیست که یک اصطلاح با همه کوچکی، رساتر و دقیق‌تر از چندین جمله عمل کرده و از وضوح بیشتری برخوردار است اما در عین حال استفاده از زبان خاص در هر علم و وام‌گیری از اصطلاحات دیگر علوم، هر چند غالباً مفید واقع شده است ولی گاه به تشتت مفاهیم و خلط مباحث نیز انجامیده است.

در مباحث تطبیقی، آمیزش فرهنگ‌های مختلف نیز بدین ابهام افزوده است چه آنکه گاه مفهوم واحدی در دو فرهنگ متفاوت، از معانی مختلفی برخوردار است تحصیل‌کردگان و روشنفکران و محققین و مترجمین عاملان اصلی انتقال واژه‌ها و آمیزش فرهنگ‌ها می‌باشند و راز بسیاری از اختلاف نظرها را باید در فقدان زبان مشترک آنان جستجو نمود و بگفته مولانا:

در کف هر یک اگر شمع بدی اختلاف از گفتشان بیرون شدی

واژه تسبیب نیز به همین سر نوشت دچار شده است زیرا از یکسو کلماتی چون سبب یا علت کلماتی بسیار دیر پا در فرهنگ بشری و دارای استعمال فراوان عرفی می‌باشند و از سویی دیگر همین عرف،

تعریف دقیق و جامعی از سبب یا علت ندارد و بناچار حقوقدان، باید خود حدود آنرا روشن نماید.

و سرانجام در حیطه حقوق داخلی، آمیزش فقه و حقوق در سال‌های اخیر می‌تواند بر این ابهام بیفزاید چه آنکه بسیاری از اصطلاحات رایج در فرهنگ حقوقی ما وام گرفته از کشورهای غربی و ترجمه آنها بوده است در حالی که در همان موارد فقهاء از اصطلاحات خاص خود سود جستہ‌اند^۱.

بدین جهت بحث تسبیب محتاج دقت و موشکافی بیشتری می‌باشد تا خلط اصطلاحات موجب اشتباه در حکم نشود.

۱- به عنوان مثال اگر کسی بر اثر تهدید دیگری مرتکب عملی شود، فقهاء از لفظ «اکراه» در مورد عمل یاد شده استفاده می‌کنند در حالی که اصطلاح رایج در میان حقوقدانان کیفری «اجبار معنوی» می‌باشد.